

## مروری بر مباحث خصوصی سازی، اهداف و دستاوردهای آن در صنعت بیمه<sup>(1)</sup>

کامبیز پیکار جو<sup>(2)</sup>

### چکیده

در صنعت بیمه به عنوان بخشی از بازارهای مالی، واکنش های سودجویانه در مقابل حرکت های قیمت در بازار مالی عمدتاً به تخصیص کارایی نسبی منابع موجود منتهی و بدین ترتیب زمینهای حصول به کارایی اقتصادی بیش از پیش مهیا می شود. با این حال برای استفاده از ثمرات و مزایای این کارایی، احتیاج به رقابت است. در این چارچوب، تجارب مربوط به خصوصی سازی یک اصل مهم را آشکار می کند: «اگر چه مالکیت در صنعت بیمه مهم است رقابت از آن مهم تر است». لذا اتخاذ تدبیر در خصوص اعمال سیاست های خصوصی سازی در صنعت بیمه می تواند در جهت گشایش این بازار در جهت ارتقای سطح رقابت، افزایش جذب سرمایه، اعم از داخلی و خارجی، بسیج منابع داخلی و ... مؤثر باشد. در این مقاله سعی بر آن خواهد بود تا با طرح مباحث تئوریک و به طور مبسوط در خصوص خصوصی سازی به بحث پردازیم و سپس با بررسی دستاوردهای این امر، دیدی جامع و تحلیلی را فراروی خوانندگان در خصوص خصوصی سازی در صنعت بیمه گذاریم.

### واژگان کلیدی

خصوصی سازی، انتخاب واگذاری و غیر واگذاری، مردم سالاری، سیاست های تثبیت اقتصادی و آزادسازی، قرارداد انجام کار.

### مقدمه

با پیشرفت های جدید در علم اقتصاد و پایه عرصه ظهور گذاردن تئوری های دخالت دولت در متن اقتصاد و بررسی رفتار و قواعد حاکم بر تصمیم گیری های دولت به عنوان قدرت مطلقه در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ادبیات اقتصادی و تاریخ اندیشه های اقتصادی مباحث جنجالی بسیاری در باب دخالت دولت به طور مستقیم و غیر مستقیم در اقتصاد مطرح شد. سپس بر سر نقش دولت در مقام ناظر و ناظم بر امور اقتصادی در بین اقتصاددانان بحث بالا گرفت. این نظریات با پررنگ شدن نقش دولت ها در صحنه های اقتصادی و درهم تنیده تر شدن تار و پودهای نظری و کاربردی اقتصادی، اقتصادها را همچون سیاست دستخوش تصمیمات درست و غلط یا دخالت های به جا و بی جای دولت ها گرداند. در ادبیات اقتصادی، شاید بتوان نخستین

1- این مقاله در تابستان 1379 (به شماره مسلسل 58) فصلنامه صنعت بیمه پژوهشکده بیمه مرکزی ایران به چاپ رسیده است.

2- عضو هیأت علمی گروه تخصصی اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و مدیر طرح و توسعه شرکت بیمه ملت.

اقتصاددانی که نقش دولت در اقتصاد را تجزیه و تحلیل نمود، آدام اسمیت معرفی کرد. وی معتقد بود دست نامرئی در بازار وجود دارد که این دست نامرئی خود مسبب تنظیم و شفافیت بازارها و اقتصادها می شود. به نظر او عملکرد مطلوب بازار و مکانیسم بازار نقشی بی بدیل در اقامه این مهم دارد وی هم چنین بر محدود کردن فعالیت های دولتی و توجه به نظم اقتصادی توسط نیروهای بازار اعتقاد داشت. سپس کینز نظریات آدام اسمیت و پیروان وی را نظریات کلاسیک نامید و بدین ترتیب اقتصاددانان کلاسیک بر محدود کردن فعالیت های دولت در حیطه امور اقتصادی تأکید کردند. کلاسیک ها به وجود دست نامرئی در تخصیص بهینه منابع و ایجاد تعادل در اقتصاد معتقد بودند که این ها در بازار رقابت کامل امکان پذیر می شود. کینز بر خلاف کلاسیک ها معتقد بود که دست نامرئی همیشه نمی تواند اشتغال کامل را در اقتصاد محقق سازد چرا که اگر در اقتصادی منابع بی استفاده وجود داشته باشد و بخش خصوصی نیز هیچ تمایلی برای استفاده و به کارگیری از این منابع از خود نشان ندهد، مسلماً وظیفه دولت آن خواهد بود که این منابع بی استفاده را به ترتیبی به کار گیرد تا بتواند اشتغال کامل را در اقتصاد تحقق بخشد. با اعلام این نظریه، در دهه های 50 تا 70، زمینه دخالت های بیشتر دولت ها در امور اقتصادی مهیا شد و این دخالت ها با توجه به این که « در آن شرایط چاره ای جز ورود دولت به اقتصاد به دلیل حاکم شدن رکود بر فضای بازارها نبود» گسترده و گسترده تر گردید.

## دولت و اقتصاد

دولت از طرق مختلف قادر است در متن یک اقتصاد دخالت کند. به طور کلی می توان روش های مداخله دولت در امور اقتصادی را بر اساس تقسیم بندی بارو<sup>(1)</sup> به سه روش عمده تقسیم کرد: (1) از طریق وضع قوانین و مقررات (2) از طریق روش مدیریت مستقیم بر صنایع و خدمات از جمله ایجاد شرکت های دولتی و مؤسسات عمومی، (3) و بالاخره از طریق اقدامات وادارنده، تشویقی و هدایتی - ارشادی [1]. در اقتصادهای امروزی، در کنار شرکت های خصوصی دو جزء دولتی نیز وجود دارد که در کنار بخش خصوصی و در بعضی شرایط رو در روی آن در اقتصاد به فعالیت می پردازند، این دو جزء را می توان شرکت های دولتی و مؤسسات عمومی نام برد. مؤسسات عمومی، مؤسسات و سازمان هایی می باشند که ماهیت عمومی و شرکتی را با خود یدک می کشند. این ماهیت عمومی و شرکتی بودن خود در قالب سه مورد قابل بررسی است: (1) تصمیمات اصلی و کارآفرینی توسط دستگاه های غیر خصوصی اتخاذ می شود و معیار اصلی تصمیمات محدود به بازده مالی برای سرمایه گذاری نیست، منبع تصمیم از دو جهت باید مدنظر قرار گیرد: دستگاه های تصمیم گیرنده و معیارهایی که بر اساس آن

---

1- Barro-1990

تصمیم اتخاذ می گردد؛ (2) منافع خالص عملیات متعلق به عموم است) به این دلیل که سرمایه متعلق به دولت یا یک مؤسسه عمومی دیگر است؛ (3) شرکت در مقابل اجتماع مسؤول است. اما دخالت های دولت از طریق مستقیم دولتی یا غیر مستقیم از طریق شرکت ها و مؤسسات عمومی با گذشت زمان پاسخ مقبولی به تئورسین های اقتصادی و اقتصاددانان نداد و بعضاً نه تنها توفیق چشم گیری ایجاد نشد بلکه با نا به سامانی و عدم موفقیت این شرکت ها و مؤسسات نیز قرین شد. به طور کلی دلایل این عدم موفقیت را به اختصار به شرح زیر می توان عنوان کرد:

(1) وجود اهداف چندگانه مبهم و متضاد با یکدیگر؛ (2) وجود مداخلات دیوان سالاری؛ (3) اصرار بر اتخاذ تصمیمات متمرکز؛ (4) وجود ضعف آشکار در مدیریت و تصمیم گیری های مدیریتی به دلیل وجود ملاحظات سیاسی؛ (5) وجود تورم کارکنان و بالابودن هزینه های پرسنلی به دلیل مسائل اجتماعی و سیاسی؛ (6) بطنی بودن سطح مهارت ها و دانش فنی در سطوح مختلف کاری؛ (7) فقدان یا کمبود ابزارهای مؤثر کنترل، بهبود عملکرد و نظارت بر اجرای امور و وظائف؛ (8) سوءاستفاده از قدرت انحصاری و رقابت غیر منصفانه با بخش خصوصی نوپا از طریق اعمال قوانین.

در این شرایط به دلیل وجود تنگناهای مذکور و به دلیل دخالت های بی شمار دولت در امور و هم چنین دخالت بعضی از ملاحظات سیاسی در امور اقتصادی، باعث بروز خدشه هایی در پیکره های اقتصادها و بازارهای پیرامون آن شد، گذشت زمان، لزوم خصوصی سازی و میدان دهی به بخش خصوصی در قالب استراتژی های آزادسازی اقتصادی به عنوان تئوری های نوپای اقتصادی در قرن اخیر پا به عرصه وجود گذارد و با پافشاری اقتصاددانان و برنامه ریزان اقتصادی زمینه برای اعمال این استراتژی مهیا شد.

### تحلیلی کلی از چگونگی خصوصی سازی

به طور کلی خصوصی سازی را می توان به معنای به وجود آمدن نظام اقتصادی جدید بر اساس بازار و در نتیجه تحول در دگرگونی و ابعاد مختلف اقتصاد نامید<sup>(1)</sup>. خصوصی سازی را میتوان مجموعه ای از عملیات حقوقی، اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر کاهش و حتی حذف سرکردگی دیوان سالاری و تکنوکراسی اداری بر مؤسسات دولتی نامید<sup>(2)</sup>. خصوصی سازی هم چنین اشاره بر انتقال فعالیت از بخش عمومی به خصوصی دارد و وسیله ای برای بهبود عملکرد فعالیت های اقتصادی از طریق افزایش نقش نیروهای بازار است<sup>(3)</sup> و بالاخره خصوصی سازی

1- Gred Schwartz

2- McGram Hiller

3- M.G.Fred

معرف اصلاحاتی است که توزیع مجدد درآمد را ضروری می سازد و باعث تغییر در الگوی اشتغال می شود<sup>(1)</sup>. خصوصی سازی ابزار مهم سیاست اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. اگر به طور جامع و دقیق بررسی رابطه بین اهداف خصوصی سازی و فنون و روش های تأمین مالی آن پرداخته شود، دو روش انتخاب واگذاری<sup>(2)</sup> و غیر واگذاری<sup>(3)</sup> و هم چنین نحوه ترویج مسؤولیت پذیری و وضوح امر خصوصی سازی مورد بررسی می تواند قرار بگیرد. اهداف خصوصی سازی عموماً در میان کشورها مشابه است و درحواشی مزایای توزیع مجدد<sup>(4)</sup> نقش های بخش خصوصی و عمومی به منظور افزایش قدرت تولیدی نظام اقتصادی متمرکز شده است. این اهداف بازتابی از تغییر نگرش گسترده در زمینه صرفه جویی در تمام سطوح توسعه اقتصادی بوده و در عین حال نشان دهنده مؤثرترین نقش های بنگاه های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی در رابطه با گسترش رشد اقتصاد است.

موضوع مشترک<sup>(5)</sup> این نگرش ها اهمیت زیاد و حیاتی قایل شدن برای بنگاه های اقتصادی بخش خصوصی و نیز استفاده کارا تر و مؤثرتر از منابع، در صورت انتقال آن ها به بخش خصوصی و قرار گرفتن این منابع در معرض تشویق ها و نیروهای بازار می باشد. در بسیاری از کشورها به ویژه در کشورهای در حال انتقال، اهداف خصوصی سازی، بازتابی از دگرگونی های بنیادی در استراتژی های توسعه و رشد اقتصادی محسوب می شود. اکنون آگاهی عمومی وجود دارد که دست یابی به رشد اقتصادی پویا تر، در گروی اعطای نقش بزرگ تری به بخش خصوصی است. از نظر نوع اولویت اهداف خصوصی سازی، ممکن است کشورهای مختلف به مقتضیات وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود اهداف متفاوتی را تعقیب نمایند که از این میان می توان به موارد زیر اشاره کرد.

(1) افزایش کارایی اقتصاد، به وسیله تقویت بازارهای با عملکرد خوب و تقویت رقابت؛ (2) تقویت مجدد نقش دولت به طوری که این نهاد بتواند بر روی اهداف ضروری تری متمرکز یابد؛ (3) کاهش بار مالی آن دسته از بنگاه های اقتصادی که زیان ده می باشند به طوری که به کسب مجدد قدرت دولت و اعمال کنترل و ثبات اقتصادی کمک کند؛ (4) کاهش بدهی دولت؛ (5) آزاد سازی منابع مالی محدود دولت به منظور تأمین مالی سایر نیازمندی ها؛ (6) ایجاد سرمایه گذاری های جدید؛ (7) بسیج منابع داخلی برای توسعه و افزایش توسعه مالی داخلی و بالاخره (8) گسترش و مردمی کردن<sup>(6)</sup> مالکیت سهام.

1- M.Fridman  
4- Rebalance

2- Divestiture  
5- Theme

3- Non-Divestiture  
6- Democratize

## ایجاد زمینه های لازم در اقتصاد کلان برای خصوصی سازی

در بین آنچه مورد تردید واقع شده، شایستگی استراتژی های درون نگر یعنی استراتژی های جانشین واردات، نظام پیچیده و گسترده کنترل های دولتی بر بازار کالاها و عوامل تولید، سیاست های محدود کننده بازرگانی خارجی، موانع مربوط به سرمایه گذاری داخلی و خارجی و در نهایت انواع سیاست های مداخله گرایانه است که با به بار آوردن انواع اختلالات در اقتصاد کشور موجب فلج شدن مکانیزم بازار و یا انحراف آن گردیده است. از دیدگاه اقتصاد کلان برای ایجاد زمینه های لازم خصوصی سازی به دو سیاست (1) سیاست تثبیت اقتصادی و (2) آزادسازی تجارت خارجی می توان اشاره کرد.

1. سیاست تثبیت اقتصادی: این سیاست ها عمدتاً اشاره بر کنترل هزینه ها و بودجه ملی دولت و یا به طور کلی در جامعه دارد. به هنگامی که ریشه اصلی عدم تعادل، هزینه ها و بالاخص نحوه تأمین هزینه های دولتی است که فشار تورمی را موجب گردیده است کنترل بودجه دولت و کسری آن برنامه تثبیت اقتصادی است. اگر تقاضای کل در جامعه از طریق استقراض خارجی (یا عدم تعادل خارجی) که تداومی نیز نمی تواند داشته باشد، تأمین مالی شده باشد. آن گاه تقاضای کل یعنی کل مجموع مصرف سرمایه گذاری خصوصی و مخارج دولت است که باید تحت کنترل قرار گیرد و هدف برنامه تثبیت اقتصادی باشد. هدف از برنامه تثبیت اقتصادی کنترل تقاضای کل، محدود کردن هزینه ها در محدوده قیدهای مربوطه و بدین ترتیب کاستن از فشارهای تورمی در کنار آن به تعادل کشیدن تراز پرداخت هاست. بدین ترتیب سیاست های تثبیت اقتصادی از سه جنبه هزینه های دولت، رفرم های مالیاتی و ایجاد تعادلی جدید حایز اهمیت و تأمل می باشند.

2. سیاست های آزاد سازی تجارت خارجی: آن چه آزادسازی تجارت خارجی را در فراگرد رفرم های اقتصادی ضروری می سازد ایجاد فضای جدید برای بنگاه های اقتصادی چه دولتی و چه خصوصی است. هدف اصلی محو اختلالات و در نتیجه اصلاح رفتار واحدهای اقتصادی است که از نظر عملکرد واحدها و تخصیص بهینه منابع جامعه در جهت مزیت های نسبی کشور حایز اهمیت است. یکی از مقولات اساسی در آزاد سازی تجارت خارجی استفاده از ابزار مناسب برای تنظیم سیاست های تجاری کشور است، زیرا که کنترل های مقداری و شبه تعرفه ها مهم ترین محل برای گسترش فعالیت رانت جویانه و در نتیجه اتلاف منافع با پیامدهای بسیار بر توزیع درآمد است که متأسفانه از مظاهر اقتصاد کشور ما در دهه گذشته است.

هدف آزاد سازی تجارت خارجی هم چنین تغییر فضای بیرونی و مواجه کردن آن ها با رقابت بین المللی و تغییر قیمت های نسبی است. بدیهی است تحت چنین شرایط سودآوری و اصولاً بقای بنگاه های تولیدی نیز در فراگرد آزادسازی دستخوش تغییرات عمده ای خواهد شد. این امر به نحو محسوس آینده خصوصی سازی را تحت تأثیر

قرار می دهد و از این رو فراگردی مقدم بر فراگرد خصوصی سازی تلقی می شود. اگر این تقدم و تأخر معکوس باشد به خصوص هنگامی که آزادسازی با سرعت و در ابعاد زیاد دنبال شود، بنگاه های خصوصی شده توان رویارویی با فضا و شرایط رقابت آمیز را ندارند و ورشکستگی حاصل کار خصوصی کردن خواهد بود. البته محدودیت هایی نیز بر سیاست های خصوصی سازی حاکم می باشد، که از مهم ترین این محدودیت ها می توان به محدودیت های سیاسی و پیاده سازی اشاره کرد. در محدودیت های سیاسی، مقاومت ها و موانع ناشی از دیوان سالاری امر خصوصی سازی یکی از محدودیت های سیاسی است چرا که مدیران و کارگزارانی که سالیان متمادی بر مسند ریاست تکیه زده اند، تحمل این را ندارند که با فروش بنگاه دولتی تمام منافع خود را بر باد رفته ببینند و بنابراین به انواع وسایل مانع و سد خصوصی سازی می شوند. بدین ترتیب، محدودیت های پیاده سازی، فقدان سرمایه در بخش خصوصی، موانع مربوط به بازارهای مالی از قبیل نبود یا ضعف بورس اوراق بهادار و در نهایت مشکلات خاص صنایع از محدودیت های پیاده سازی در فرایند خصوصی سازی است.

#### دستاوردهای خرد و کلان اقتصادی خصوصی سازی در صنعت بیمه

در صنعت بیمه به عنوان بخشی از بازارهای مالی، واکنش های سودجویانه در مقابل حرکت های قیمت در بازار مالی عمدتاً به تخصیص کارای منابع کمیاب موجود منتهی شده و بدین ترتیب موجب رسیدن به کارایی اقتصادی می شود. با این حال، برای استفاده از ثمرات و مزایای کارایی، احتیاج به رقابت است. تجارب مربوط به خصوصی سازی یک اصل مهم را آشکار کرده است. اگر چه مالکیت مهم است رقابت از آن مهم تر است. هر چند ممکن است در بازار بیمه ایجاد رقابت مؤثر برای یک انحصار خصوصی سازی شده چندان امکان پذیر نباشد. ولی در چنین شرایطی، نیاز به وجود یک آیین نامه مؤثر و کارا در صنعت بیمه، چه از طریق قرار داد واگذاری حق الامتیاز<sup>(1)</sup> و چه از سوی یک مقام قانون گذار مستقل، احساس می شود. در صورت نبود چنین آیین نامه ای، این احتمال وجود دارد که فعالیت انحصاری سودجویانه، با محدود کردن عرضه و افزایش قیمت ها به سطحی بالاتر از آن چه منعکس کننده بهای تمام شده تولید است، موجب تضعیف کارایی در صنعت بیمه و متعاقب آن بازارهای مالی اقتصادی می شود. این موضوع یکی دیگر از اصول بنیادی خصوصی سازی را پیش رو می نهد: در هر جا که ممکن است رقابت تشویق شود و در هر جا که ممکن است، مقررات وضع شود. پس احتمال دستیابی به کارایی در صنعت بیمه و بازارهای مالی اقتصادی به مثابه یک هدف، موقعی افزایش می یابد که بتوان بازارهای رقابتی سالمی

---

1- Contractual Concession

را به وجود آورد و در صورتی که امکان رقابت وجود نداشته باشد وضع و اجرای آیین نامه های مناسب در صنعت بیمه نقش حیاتی پیدا می کند.

نخستین هدف خصوصی سازی در صنعت بیمه، تعریف مجدد نقش بیمه مرکزی ایران است به طوری که آن بتواند به وظایف هسته ای و اصلی تر خود بپردازد. از جمله این وظایف بهبود عملکرد مؤثر و کارای صنعت بیمه به نفع عامه و در عین حال آزاد گذاشتن بخش خصوصی برای تلاش بیشتر می باشد(در بسیار از کشورها تجربه نشان داده است که بنگاه های بیمه ای - اقتصادی فقط در بخش های خاصی فعالیت می کنند و در اقتصادهای مبتنی بر بازار تشکیل دهنده اقلیتی از بنگاه های بیمه ای - اقتصادی می باشند.

بنگاه های بیمه ای - اقتصادی مذکور، که مطابق قانون به صورت سهامی<sup>(1)</sup> دایر می شوند از لحاظ مالی و تجاری به صورت واحدهای مستقل اداره می شوند و اغلب مدیران و رؤسای اجرایی خود را از میان بخش خصوصی انتخاب می کنند. آن دسته از بنگاه های بیمه ای - اقتصادی که به صورت سهامی اداره می شوند، در قبال استقلال مالی و عملیاتی خود، اغلب ملزمند که با دولت قرارداد انجام کار<sup>(2)</sup> منعقد کنند تا پاره ای از اهداف عملکردی میسر شود).

یکی دیگر از اهداف خصوصی سازی در صنعت بیمه، جذب سرمایه گذاری ها به ویژه سرمایه گذاری های بخش خارجی و نیز جذب فن آوری های جدید، مهارت های مدیریتی و بالاخره شرکای جدید به منظور رشد و توسعه بنگاه های بیمه ای - اقتصادی می باشد. خصوصی سازی موجب می شود که بنگاه های بیمه ای - اقتصادی از محدودیت های بودجه ای و دخالت های سیاسی دولت آزاد شوند و در اثنای جمع آوری سرمایه خصوصی، این امکان را بیابند که متحدان جدیدی را نیز برای خود فراهم آورند. سهامی کردن بنگاه های بیمه ای - اقتصادی نیز می تواند با واگذاری کامل یا نسبی در خدمت این هدف قرار گیرد. اما میزان موفقیت یک بنگاه بیمه ای - اقتصادی در زمینه جلب سرمایه های بخش خصوصی و متحدان استراتژیک، عملاً تحت تأثیر چگونگی شناخت سرمایه گذاران از میزان استقلال عملیاتی و مالی بنگاه بیمه ای - اقتصادی مذکور قرار دارد.

هم چنین خصوصی سازی در صنعت بیمه، می تواند به بسیج منابع داخلی به سوی توسعه این صنعت کمک کند. خصوصی سازی می تواند با تخصیص بخشی از سهام بنگاه های بیمه ای - اقتصادی به سرمایه گذاران کوچک و کارکنان بنگاه های بیمه ای اقتصادی و با ایجاد گروه جدیدی از سهام داران عملاً به گسترش و مردمی کردن مالکیت سهام در جهت رفاه نظام اقتصاد ملی کمک برساند. یکی از اهداف در شیوه خصوصی سازی انبوهه یا تپه ای<sup>(3)</sup> نیز تأمین این هدف بوده است.

---

1- Corporatized

2- Performance Agreement

3- Mass / Voucher Privatization

البته این هدف، یک هدف میانی<sup>(1)</sup> است که خود در خدمت اهداف وسیع تر سیاسی و اقتصادی قرار دارد: پس از بهبود عملکرد و گسترش سهام دستاورد دیگر خصوصی سازی صنعت بیمه این است که بیمه گذاران را وادار می کند فکر کنند که دولت بهتر است نقش تنظیم کننده تا مالک را داشته باشد. بدین لحاظ بازار آزاد حافظ منافع بیمه گذاران بعد از خصوصی سازی است. بنابراین مهم ترین نقش دولت در ادامه اجرای برنامه خصوصی سازی در صنعت بیمه، به کار بردن قوانین و مقررات مناسب در آزاد نگه داشتن بازار و تقویت رقابت سالم است.

ایجاد درآمدهای مالیاتی جدید را برای دولت در نتیجه خصوصی سازی صنعت بیمه و جذب سرمایه های خارجی و تکنولوژی جدید از دیگر منافع خصوصی سازی میتوان بر شمرد. در نتیجه خصوصی سازی بازار و سرمایه داخلی از رشد مطلوبی برخوردار می شود و از طرفی ایجاد اشتغال رشد گرا به جای مشاغل کاذب و غیر مولد، غیر کارای فعلی در این صنعت و هم چنین رها کردن مسؤولان دولتی از تصمیم گیری های روزمره و ایجاد تمرکز آن ها در زمینه مسائل تصمیم گیری و تصمیم سازی کلان بیمه ای (شورای عالی بیمه) می تواند از دستاوردهای خصوصی سازی باشد. ازدیاد درآمد نقدی، افزایش فرصت های مطلوب از منافع بالقوه خصوصی سازی از دیگر اقدامات به شمار می رود.



## نتیجه گیری

نتیجه آن که اعمال سیاست های خصوصی سازی در صنعت بیمه کشور یکی از ضروریات و واجبات اموری است که باید برای آن اهمیتی خاص قایل شد. در این مقاله سعی بر آن بود که محسنات و دستاوردهای احتمالی خرد و کلان این سیاست واضح و مبرهن تر تشریح و تبیین گردد. البته پرداختن به این مهم که آیا در حال حاضر زمینه های لازم برای پیاده سازی و اعمال چنین سیاستی مهیاست یا خیر نیاز به بررسی ریز بینانه تری دارد که در حوصله این مقاله نمی باشد و امید است در مقاله دیگری به آن به طور مبسوط پرداخته شود. به هر حال با توجه به اهم مطالب بیان شده می توان نتیجه گیری حاصل از سیاست خصوصی سازی در سطوح بیمه ای و اقتصاد را به طور واضح تر به شرح زیر تشریح کرد:

1. به وجود آوردن نظام بیمه ای جدید بر اساس مکانیسم قیمت ها و در نتیجه تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف بازارهای بیمه ای (بازارهای مالی).
2. انتقال کامل و کنترل قانونی شرکت های بیمه از دولت به بخش خصوصی.
3. کاهش و حتی حذف سرکردگی دیوان سالاری و تکنوکراسی اداری بر شرکت های بیمه.
4. بهبود عملکرد صنعت بیمه از طریق افزایش نقش نیروهای بازار.
5. ایجاد اصلاحاتی در توزیع مجدد درآمد شرکت های بیمه و هم چنین تغییر در الگوی اشتغال.
6. افزایش کارایی صنعت بیمه و هم چنین بازار مالی به وسیله تقویت بازارهای با عملکرد مطلوب و تقویت رقابت در این صنعت.
7. کاهش بار مالی آن دسته از بنگاه های دولتی در صنعت بیمه که به طور غیر تخصصی فعالیت داشته اند.
8. آزاد سازی منابع مالی محدود به منظور تأمین مالی سایر نیازمندی ها.
9. ایجاد سرمایه گذاری های جدید (داخلی و خارجی) در صنعت بیمه.
10. گسترش مردمی شدن مالکیت سهام در صنعت بیمه.

## منابع

1. برازنده، علی رضا، تجارب تطبیقی در زمینه خصوصی سازی، ماهنامه تازه های اقتصادی، دی 1376.
2. پیکارچو، کامبیز. خصوصی سازی در صنایع از انتخاب روش تا پیاده سازی در اقتصاد، گزارش طرح داخلی ایران 1400، وزارت صنایع، 1376.
3. شمس، عبدالحمید. فصلنامه دانش مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، شماره 22، پاییز 1372.
4. صالحی، رضا. تأثیر سیاست های خصوصی سازی شرکت های بیمه بر عملکرد صنعت بیمه کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، بهار 1375.
5. مرکز تحقیقات بیمه ای بیمه مرکزی ایران، مقدمه ای بر آزادسازی و خصوصی سازی صنعت بیمه، گزارش موردی، شماره 3، آبان 1377.
6. Alan Marin, *Macroeconomic Policy*, Routledge, 1992, pp. 12-15.
7. G. Schwartz, *Review of Macroeconomics*, 1991, pp. 521-538.
8. J. Vernon Henderson & William Pool, *Principles of Economics*, D.C. Health
9. McGraw Hiller, *Privatization and Government decision*, 1995, pp.38-59.  
and Company, 1991.
10. M.Fridman, *A Practical Model in Privatization*, *American Economic Review*, 1990, pp. 15-25.
11. M. G. Fred, *Policy Makers in LDC Countries*, 1996, pp. 121-152.
12. R.W. Aspencer and W.P. yohe, *The Gowding out of private expenditure lay policy action*, *Reading in Macroeconomicsr*, Editor: W.E. Mitchel J.H. Hand-L. Walter, McGraw Hill, 1974, pp. 157-173.